

لزوم اصلاح ماهوی کنوانسیون‌های منع به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی با تأکید بر کنوانسیون خلع سلاح زیستی

افشین پاکجو* MA، فاطمه پورمحمد^۱ MA، علی کرمی^۲ PhD
* مرکز تحقیقات بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی بقیه... (عج)، تهران، ایران
^۱ دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ مرکز تحقیقات بیولوژی مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه... (عج)، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: کنوانسیون‌های خلع سلاح بین‌المللی با گذشت زمان اندکی پس از تدوین، با تولید و کاربرد سلاح‌های نسل پیشرو فاقد تطابق و سازگاری لازم می‌شوند. همچنین، با پیدایش تهدیدات سلاح‌های میکروبی جدید، بیوتروریزم و توسعه فناوری‌های نوین زیستی، نیاز به اصلاح محتوایی این کنوانسیون‌ها احساس می‌شود. در این پژوهش تکوینی، مراحل رشد و توسعه مطالعات زیستی - تسلیحاتی، حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های منع تولید، توسعه و انباشت سلاح‌های زیستی به شکل میان‌رشته‌ای (آزمایشگاهی - حقوقی) مورد مطالعه قرار گرفته و ضرورت بازنگری و اصلاح این کنوانسیون‌ها پیشنهاد شده است.

نتیجه‌گیری: رشد علوم زیستی در قرن حاضر بسیار سریع و فزاینده بوده است؛ اما، تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل در مهار گرایش‌های تسلیحاتی - نظامی این دانش، تحت نفوذ قدرت‌های تسلیحاتی و دولت‌های توسعه‌یافته قرار داشته است که با عدم ممنوعیت صریح استفاده از این سلاح‌ها، محدودیت‌هایی را برای کشورهای درحال توسعه برای دستیابی به جنبه‌های صلح‌آمیز عوامل زیستی ایجاد نموده است. تولید آژوروسل‌های پایداری که نسبت به روش‌های تشخیص و شناسایی مقاوم هستند، کنوانسیون را ناگزیر به اصلاح ماهوی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: بازنگری، عوامل زیستی، کنوانسیون ۱۹۷۲ خلع سلاح زیستی، مخاصمات مسلحانه

Objective modification necessity in conventions of using mass destruction weapons prohibition with emphasis on the biological disarmament convention

Pakjou A.* MA, Pour Mohammad F.¹ MA, Karami A.² PhD

*Health & Nutrition Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

¹Faculty of Law, Branch of Tehran Central, Islamic Azad University, Tehran, Iran

²Molecular Biology Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: International disarmament conventions lack necessary compliance and consistency by production and application of new generation weapons, shortly after their development. Also by emergence of new threats of microbial weapons, bioterrorism and development of new biological technologies, the necessity of revising the content of these conventions is felt. In this formative research, the stages of growth and development of biological weaponry studies, international laws and conventions on the prohibition of production, development and stockpiling of biological weapons is studied in an interdisciplinary setting and the necessity of revision and reform in these conventions is proposed.

Conclusion: Growth of biological sciences in current century has been very fast, but development of international laws on control of military and weaponry trends of this science has been under the influence of weaponry authorities and developed governments and with no explicit prohibition of the use of these weapons, has imposed restrictions on developing countries which want to achieve the peaceful aspects of biological agents. Production of sustainable aerosols resistant to identification and detection techniques, will inevitably lead to convention's content reform.

Keywords: Revision, Biological Agents, Biological Weapons Convention of 1972, Armed Conflicts

ژان ژاک روسو: "جنگ نتیجه روابط بین الملل است نه افراد. جنگ مبارزه بین دو فرد نیست، بلکه تصادم دولتی با دولت دیگر است".

مقدمه

در طول تاریخ، دولت‌ها به منظور حفظ حاکمیت سرزمینی‌شان، با استناد به اصل صلاحیت سرزمینی و احترام به معاهدات مرزی، به مقابله به نیروی مخاصم پرداخته‌اند [۱]. بنابراین، جنگ در عرصه بین‌المللی به عنوان واقعه‌ای اجتناب‌ناپذیر پذیرفته شده است، اما می‌توان آن را با کمک قواعد حقوق جنگ به نظم آورد تا شاید بتوان از شدت آسیب‌های ناشی از آن کاست [۲]. در آغاز، اندیشه دستیابی به سلاح‌هایی با آسیب‌رسانی کمتر و خلع سلاح، بیشتر جنبه فلسفی و نه عملی داشت و حربه‌ای برای تنبیه طرف مغلوب در جنگ بود. اما از قرن نوزدهم، این ایده‌های نظری خیزی به سوی عملیاتی‌شدن برداشت. یکی از موفقیت‌آمیزترین این اقدامات در قرن نوزدهم، موافقت‌نامه راش-باگوت بود [۳].

یکی از انواع سلاح‌هایی که در جنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و هم‌اکنون هم کاربرد دارد، سلاح‌های زیستی است. این سلاح‌ها با استفاده از عوامل میکروبی (باکتری، ویروس، قارچ و انگل) یا سموم زیستی سعی در کشتن و ناتوانی طرف مقابل در تخاصم دارد [۴]. این میکروبوها به سرعت در بدن اشخاص، جانوران و گیاهان رشد یافته و کم‌کم او را از بین می‌برند [۵]. هشت ویژگی منحصر به فرد این سلاح‌ها یعنی، ۱- صعوبت تشخیص و شناسایی؛ ۲- پایین بودن دوز موثر در رسیدن به هدف کاربردی؛ ۳- سهولت در انتشار با هر وسیله صناعی و طبیعی؛ ۴- احتمال بسیار کم برای پیشگیری (فقدان واکنش مناسب و موثر)؛ ۵- مسری بودن؛ ۶- سهولت در کاربرد و صعوبت در اثبات ادعای قربانی؛ ۷- امکان تولید، تکثیر و انباشت در کمترین فضا و با کمترین هزینه؛ ۸- ظرفیت انتشاری و پایداری بالا در واحد زمان [۶]، منجر به تمایز آنها نسبت به سایر سلاح‌های جنگی و حساسیت جامعه جهانی شده است:

جامعه جهانی برای مهار تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها از ۱۸۷۴ تا ۱۹۲۵، پنج کنفرانس برگزار نمود؛ در ششمین نشست، در ۱۰ آوریل ۱۹۷۲، کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های زیستی تدوین شد و هم‌زمان در مسکو، لندن و واشنگتن در معرض تصویب کشورها قرار گرفت. این کنوانسیون در ۲۶ مارس ۱۹۷۵ با امضای ۴۴ کشور رسماً متولد و وارد فاز لازم‌الاجرائی شد [۷]. علاوه بر عوامل زیستی، دسته دیگری از سلاح‌های نوین با بهره از عوامل شیمیایی و هسته‌ای ایجاد شدند که برای هر کدام، معاهداتی (کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها در سال ۱۹۹۳ و معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای طی ۳ مرحله از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۸) به منظور مهار به‌کارگیری در مخاصمات منعقد شده است.

این پژوهش تکوینی از منظر زمانی به وقایع خصمانه از سال ۱۸۷۴ تا ۲۰۰۸، با تاکید بر استفاده از سلاح‌های زیستی و عوامل میکروبی و ژنتیکی پرداخته است که توسط تیم‌های بازرسی سازمان ملل متحد مورد ردگیری، شناسایی و اطلاع‌رسانی واقع شده‌اند؛ و درصدد بررسی این موضوع بوده که آیا مفاد کنوانسیون ۱۹۷۲ توانسته است نقش مهمی در کنترل کاربرد سلاح‌های میکروبی، سازگار با آخرین پیشرفت‌های میکروبی در ساخت این سلاح‌ها داشته باشد. هدف نهایی این تحلیل، رسیدن به سازوکاری اصلاحی در جریان حیات کنوانسیون با تحقیقات زیستی است که بتواند در تعاملی سازنده بین مشاورهای علمی- پزشکی یا ساختار حقوقی کنوانسیون، به طریق موثر کنوانسیون را در مقابل پیشرفت‌های مدرن زیستی پاسخ‌گو نماید.

کنوانسیون‌ها و حقوق بین‌الملل

تاکتیک‌های جنگ‌های نوین در واقع همان استفاده و دفاع از عوامل شیمیایی، میکروبی یا هسته‌ای در جنگ است. یکی از ابزارهای پیشگیری‌کننده از این جنگ‌ها، حقوق بین‌الملل است. در این خصوص یکی از معتبرترین اسناد حقوقی، کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی است که توسط دولت‌ها امضا شده‌اند و طی آن، هر دولت با محدودکردن اختیارات حاکمیتی خود، سعی در مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی دارد.

متأسفانه، ضعف‌ها و ایراداتی به کنوانسیون‌های منع‌کننده سلاح‌های نوین در مخاصمات وارد است که بسیاری از آنها مربوط به رشد سریع علوم در دهه‌های اخیر است که منجر به تغییر بنیادین تعاریف مندرج در متن کنوانسیون‌ها می‌شود. این مشکلات، با تفسیر معاهده قابل اصلاح نیست، چراکه حسب موافقت‌نامه ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات بین‌المللی، تفاسیر نباید سیاق جمله را برهم زند و همچنین تفاسیر، باید حمل بر شرایط زمان انعقاد معاهده باشد [۸].

در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی که برای اجرایی‌کردن معاهده ۱۹۹۳ ایجاد شد، شورای مشورتی علمی به‌صورت سازمانی فرعی متشکل از ۲۵ شیمیدان مستقل در نظر گرفته شد تا با بررسی تحولات پیشرفت‌های علمی و فنی در علم شیمی، به آرایه نظرات کارشناسی در خصوص تغییرات در جداول سه‌گانه مواد شیمیایی و روش‌ها و تجهیزات فنی بازرسی‌ها بپردازند [۹]؛ یا در خصوص NPT، در کنفرانس بازنگری و اصلاح این معاهده در سال ۲۰۱۰ در نیویورک، در اقدام شماره ۵۹ از دولت‌های عضو خواسته شد تا اصلاحیه‌های NPT را تصویب و اجرایی نمایند [۱۰]. در این کنوانسیون نیز به‌جهت پیشرفت علوم فیزیک و دانش هسته‌ای و تکنیک‌های گداخت جدید، سعی شده که با کنترل ساخت این سلاح‌ها نظام بین‌المللی تحت تأثیر قرار گیرد و این سلاح‌ها به طریقی ساخته شوند که عوارض آن ناشناخته باقی بماند؛ مانند گلوله‌های DU که به طرز فراگیری در ارتش‌های ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، روسیه، یونان، ترکیه،

میکروارگانیزم‌ها نسبت به آنتی‌بیوتیک‌ها، واکسن‌ها، درمان‌های استاندارد و ابزارهای ردگیری و شناسایی مقاوم شده‌اند. این توسعه ژنتیکی به‌قدری پیشرفت داشته که برخی از دولت‌ها توانسته‌اند سلاح‌های زیستی با قابلیت حذف کامل نسل و قومیت خاصی از صحنه روزگار طی مدت معین بسازند (سلاح قومی). این تحول پس از سال ۱۹۷۲ یعنی زمان تصویب کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های زیستی ایجاد شده است و می‌تواند حتی در مفاهیم نسل‌کشی تحول ایجاد نماید؛ چراکه امکان تشخیص و اثبات کاربرد این سلاح و این که از میزان دوز موثر پایین‌تر یا فراتر رفته مشکل است و تعیین زمان و آسیب‌دیدگان دقیق کاربرد این سلاح برای تنظیم طرح دعوی در محاکم بین‌المللی دشوار است. شاید به همین دلیل باشد که کنوانسیون فاقد ضمانت اجرای شفاف به نظر می‌رسد.

نقایص کنوانسیون‌ها

با عدم تبعیت عوامل پیشرفته جدید از استانداردهای معمول دوزهای موثر، بیماری‌زا و بی‌خطر از نظر ایجاد جهش‌های ژنی، اثبات یا رد ادعای آزمایش‌های تحقیقاتی و صلح‌جویانه یا آزمایش‌های مغایر با صلح جهانی با تکیه بر مفاد کنوانسیون عملاً نشدنی است؛ چراکه کنوانسیون به طریق شفاف و جامع‌الاطراف، مرزبندی بین تحقیق با تولید صنعتی مجرمانه ندارد. این رفتار عملاً به ضرر کشورهای درحال توسعه در جهت تهیه واکسن‌ها و سایر استفاده‌های پزشکی و صلح‌جویانه شده است. به‌علاوه سازمان خاصی در کنوانسیون برای تولید نظارت بر ممنوعیت ساخت و انباشت این سلاح‌ها مشخص نشده و نقطه تاسف‌بار دیگر این است که هیچ کمیته کارشناسی فنی و علمی به‌منظور انتقال به‌روزترین پیشرفت‌های علوم زیستی به رکن تصمیم‌گیر کنوانسیون وجود ندارد. به‌علاوه، در کنوانسیون هرگز واژه استفاده یا همان به‌کارگیری درج نشده و در نتیجه، استفاده از سلاح زیستی صراحتاً منع نشده است. همچنین، نقض غرض‌ها و دوگانگی رفتار در برخی از اعضای کنوانسیون که در عین حال از دانش و توان بالای تحقیقات زیستی نیز بهره‌مند هستند، جامعه جهانی را در اعتماد به صداقت رفتار این اعضا مردد نموده است. در کشورهایی چون ایالات متحده، وزارت دفاع فراخوان و جذب دیدگاه‌های مناسب تولید و مقابله با سلاح‌های زیستی را دنبال می‌کند و با وضع محدودیت‌های شدید برای انتقال دانش فنی تحقیقات زیستی، عملاً مانعی برای دستیابی کشورهای در حال توسعه به جنبه‌های صلح‌آمیز علوم زیستی شده است.

تأثیر پیشرفت علوم زیستی بر تولید سلاح‌های جدید

سلاح‌های کشتار جمعی زیستی نسبت به زمان‌های قدیم، از حالت ابتدایی خارج شده و با دخالت علوم چون بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک به‌شکل پیشرفته‌ای تهیه، ذخیره و به‌کار گرفته می‌شوند. همچنین، به‌علت پایه آزمایشگاهی این تحقیقات، توسعه و ارتقای آن

رژیم اشغالگر قدس، عربستان سعودی، کویت، بحرین، مصر، تایلند، تایوان و پاکستان مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۰].

متأسفانه بازنگری‌های انجام‌شده، پاسخ‌گوی نقایص کنوانسیون‌های موجود نیست و نیاز به اصلاح ماهوی در این کنوانسیون‌ها احساس می‌شود تا تعاریف موجود با توجه به پیشرفت‌های علمی تغییر یافته و مواردی به کنوانسیون اضافه یا مواردی حذف شوند. اصلاح ماهوی شامل مفادی است که باید یا نباید مورد تجدیدنظر واقع شوند و مکانیزم‌های پذیرش، زمان لازم‌الاجرای و آثار حقوقی را شامل می‌شود [۱۱]. اصلاحات در کنوانسیون‌ها می‌تواند به اتفاق آرا صورت پذیرد که برای اصلاح در اساس‌نامه‌ها دیده شده است. روش اجرایی آن به صورتی است که گاه فقط شامل برخی مواد خاص می‌شود یا شامل اعضای خاص مثل شرط اتفاق آرای اعضای دائمی شورای امنیت برای اصلاح منشور، یعنی تمام اعضا باید با آن موافقت نمایند. روش دیگر اصلاح با اکثریت آراست که در قرن حاضر رویه‌ای جاری است و طی آن حسب درخواست تعداد یا درصد خاصی از اعضا یا توسط رکن خاصی از سازمان موضوع اصلاح مطرح می‌شود. از نظر زمانی، گاه اصلاح در هر زمانی مجاز است و گاه دوره زمانی مشخص می‌نماید [۱۲]. سؤالی که این‌جا مطرح می‌شود این است که به فرض انجام اصلاح، اگر به‌صورت اکثریت آرا صورت پذیرفت، تکلیف گروهی که موافق با اصلاح نبوده‌اند چیست؟ برخی معتقدند به تبع اکثریت، باید گروه اقلیت هم بپذیرند. کما این که دیوان دائمی و بین‌المللی دادگستری (لاهی) در قضیه/سکارشین در سال ۱۹۳۴ (دعوی بلژیک علیه انگلستان)، اصلاحیه ۱۹۱۹ سن‌ژرمن را برای دولت‌هایی که معاهده عمومی برلن (۱۸۸۵) را امضا کرده بودند، لازم‌الاجرا دانست (حتی برای دولت‌هایی مانند بریتانیا که اصلاحیه را امضا نکرده بودند)، چراکه معتقد بود اصلاحیه جنبه عام‌الشمول پیدا کرده است. از سوی دیگر، گروهی معتقدند این معاهده برای اقلیت غیرقابل اجراست، چراکه راه حل کلاسیک هر معاهده را نسبت به اطراف آن لازم‌الاجرا می‌داند. کما این که در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) این مفهوم صادق است. اگر بخواهیم چنین استدلالی را بپذیریم، آنگاه بررسی دقیق دامنه عهدنامه و آگاهی به این که چه کسی به چه چیزی متعهد است، فوق‌العاده مشکل است [۱۱].

معضل عوامل زیستی به‌عنوان سلاح

عوامل زیستی به علت وزن کم و انتشار تزایدی، می‌تواند وسعت زیادی را تحت آسیب قرار دهد و قربانیان و آسیب‌دیدگان این عوامل، فراوانی بیشتری نسبت به سایر سلاح‌های کشتار جمعی (هسته‌ای و شیمیایی) داشته و در نتیجه، احساسات جهانی بیشتر از عوامل دیگر تحریک می‌شود؛ خواست جهانی برای جرم‌انگاری و الزام‌آوری تعهدات دولت‌های عضو این کنوانسیون، اقبال بیشتری نسبت به سایر سلاح‌ها دارد. از سوی دیگر، امروزه متأسفانه توان‌مندی و کارایی بیوتکنولوژی در ساخت این سلاح‌ها گسترده‌تر شده و با دستکاری‌های ژنتیکی،

نیاز به فضای فیزیکی و هزینه‌های مالی زیادی به نسبت سایر سلاح‌های کشتار جمعی ندارد و این عامل، دلیلی برای دشواری عملیات تحقق و کشف شده است [۱۳].

پیشرفت سریع علوم زیستی موجب شده که مفاهیم و دکترین‌های غالب در حوزه‌های خلع سلاح و کنترل تسلیحات، نظیر بازدارندگی و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی مورد بازاندیشی قرار گیرد و دیدگاه‌های کاملاً جدید و بدیع، اثربخشی دیدگاه‌های مبتنی بر استفاده از تسلیحات برای مقاصد دفاعی را از بین ببرد [۱۴]. تا پیش از واقعه یازدهم سپتامبر و متروی لندن، تصور غالب در خصوص سلاح‌های زیستی این بود که صرفاً در جنگ‌ها کاربرد دارد و بنابراین سلاحی متعارف محسوب می‌شد. اما امروز مشخص شده است با سلاح‌های متعارف نیز می‌توان همانند سلاح‌های نامتعارف، قدرت تخریبی در حد کشتار جمعی ایجاد نمود. مصداق بارز آن، توان دست‌کاری‌های ژنتیکی در عوامل زیستی است که توانسته عوارض بلندمدتی را در گروه مواجه با محیط آلوده در سطح وسیع به‌وجود آورد. به‌علاوه، استفاده از این سلاح در عملیات تروریستی، دلیل مضاعفی شده که لزوم اصلاح ماهوی کنوانسیون را مطالبه می‌نماید. متأسفانه تحقق مفاهیم جدید در مفاد کنوانسیون بسیار کند است و مرحله اجرا بسیار کندتر خواهد بود؛ چراکه مفهوم استفاده از سلاح زیستی از مصادیق نظامی فراتر رفته و این در حالی است که قواعد کنوانسیون به‌طور شفاف به این موضوع نپرداخته است [۱۴]. پس همواره این احتمال وجود دارد که بتوان جنایتی علیه بشریت را در حد نبردی متعارف تقلیل داد، درحالی‌که هویت فعل ارتكابی مصداق جنایت علیه بشریت است. به عبارت دیگر، علی‌رغم تکمیل عنصر مادی جرم، عملاً اثبات عنصر معنوی که نابودی نسل است و به امکان پایداری عامل زیستی در طول زمان و آسیب‌های آن در سال‌های پس از کاربرد سلاح بستگی دارد، ممکن نیست.

نبود ضمانت اجرایی موثر در کنوانسیون باعث شده که برخی کشورها با اختصاص بودجه‌های هنگفت تحقیقاتی به جنبه‌های جدید آفند و پدافند زیستی، سلاح‌های به مراتب مخرب‌تری ایجاد نمایند و از سوی دیگر، روزه‌روز به تعداد کشورهایی که توانایی ساخت سلاح میکروبی را دارند اضافه شود. این همه در حالی است که رفته‌رفته امکان تمایز سلاح‌های پیشرفته زیستی با سایر سلاح‌ها و روش مقابله با آنها مشکل شده و استراتژی کشورها در برخورد با کل این تسلیحات نیز قضاوت در مورد آنها را دشوار می‌سازد [۱۵].

عدم الزام‌آوری کنوانسیون در بازنگری‌ها

حقوق بین‌الملل عرفی و عهدنامه‌ای هیچ‌کدام کاربرد سلاح زیستی را صراحتاً منع نکرده‌اند و تهدید یا استفاده از آن را منطبق بر مقتضیات حقوق مخاصمات مسلحانه دانسته‌اند. علی‌القاعده به‌نظر می‌رسد که نفس کاربرد این سلاح مخالف قواعد بشردوستانه و ۲ اصل اساسی حقوق بین‌الملل یعنی اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی و

اصل محدودیت حق دو کشور متخاصم در انتخاب روش و جنگ‌افزار باشد [۱۶].

متأسفانه سران ناتو در سال ۱۹۹۹ در واشنگتن با نادیده‌گرفتن تضمین‌های امنیتی و هرگونه ملاحظات مربوط به لزوم رعایت عمل متقابل که به نوعی در رای دیوان بین‌المللی دادگستری هم مستتر است، دکترین جدید خود را این‌گونه اعلام کردند که در صورت تهدید نظامی هر یک از اعضای این اتحادیه نظامی از طرف کشوری غیراتمی با سلاح‌های کشتار جمعی میکروبی یا شیمیایی، خود را مجاز به استفاده از سلاح اتمی می‌دانند. این دکترین بر خلاف اصول مسلم حقوق بین‌الملل است [۱۵].

تدوین‌کنندگان کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های زیستی در ماده ۱۲ کنوانسیون، بازنگری‌های ۵ سال یک‌بار را پیش‌بینی کرده‌اند و برای این منظور، لزوم طرح توسط اکثریت اعضا را واجب دانسته‌اند؛ اما لازم‌الاجرا بودن اصلاحات را حمل بر طرفینی که به اصلاح رای مثبت داده‌اند و ملحقین به کنوانسیون دانسته‌اند. بنابراین، کنوانسیون به‌جای بالابردن جنبه الزام‌آوری، اجرای قواعد را منوط به اراده دولت‌ها و امری داوطلبانه (التزام به ملاحظه) دانسته است. این در حالی است که ماهیت کنوانسیون، مهار سلاح‌های کشتار جمعی است؛ به‌نظر می‌رسد که رفتار داوطلبانه در توافقاتی که با کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه در تعامل مستقیم است، مناسب نباشد.

این بیانیه دست کشورهای صاحب تکنولوژی زیستی را باز گذاشته و موارد توسعه و تکمیل را که منتج به تولید و انباشت سلاح شود ممنوع دانسته است؛ در کنفرانس بازنگری اول، به‌دلیل این‌که دو بلوک شرق و غرب در اوج رقابت‌های بین‌المللی بودند، کنوانسیون صرفاً برای تعادل قوا، به تقریر و تمجید از کشورهایی که اقدام به تخریب سلاح‌های خود یا تبدیل آن به مصارف صلح‌آمیز نمایند اکتفا کرده و در کنار آن از سایر کشورها برای الحاق به کنوانسیون دعوت به عمل آورده است [۱۷].

در اجلاس دوم در هشتم سپتامبر ۱۹۸۶، کشورهای درحال توسعه موضوع انتقال تکنولوژی را مطرح کردند، اما کشورهای توسعه‌یافته و دارای تکنولوژی پیشرفته زیستی به بهانه ارتقای سیستم‌های بازرسی از این انتقال تکنولوژیک طفره رفتند. از این جهت عملکرد گروه توسعه‌یافته بهانه محسوب می‌شود که در مباحث حقوقی می‌بایست پس از ایراد به وضع موجود، پیشنهاد موثر ارائه شود، امری که در این اجلاس به تحقق نیافت [۱۸]. در نهایت، ۴ بند تحت عنوان "اقدامات اعتمادساز" مصوب شد که در هیچ‌کدام از عبارات الزام‌آور استفاده نشد و به‌دلیل عدم تصمیم‌گیری درخصوص ایجاد سیستم بازرسی عملی مطابق پیشرفت‌های روز زیستی، موضوع مستقیماً به سازمان جهانی بهداشت احاله شد که آن هم به‌سبب تخصصی و خاص بودن حوزه صلاحیتی، صرفاً می‌تواند مباحث بهداشت عمومی و نه شناسایی و انسداد مراکز پیشرفته تحقیق، تولید و ساخت سلاح‌های زیستی را نظارت نماید [۱۷].

اختلاف‌برانگیز، از کشورهای توسعه‌یافته خواست به دغدغه انتقال تکنولوژی به کشورهای درحال توسعه توجه کنند و در راستای همکاری‌های بین‌المللی اقدام مناسبی به‌عمل آورند. این حرکت به نام "فرآیند جدید" معروف شد؛ یعنی همان عملیات اجرای هرساله نشست‌ها تا رسیدن به کنفرانس ششم بازنگری [۲۲].

در اجلاس ششم در سال ۲۰۰۶ نیز کنوانسیون ضمن ادامه روند سابق خود، صرفاً به "استقبال کنوانسیون از تبادل علمی" اکتفا کرد و هیچ الزامی را در آن قید ننمود.

شش دور اجلاس‌های برگزار شده درخصوص اصلاح کنوانسیون، با تضارب آرای گروه درحال توسعه برای کسب دانش روز زیستی برای مصارف صلح‌آمیز از یک سو و عدم تمایل گروه توسعه‌یافته به انتقال دانش و اصرار بر افزایش مراکز تحقیقاتی گروه درحال توسعه و کسب مجوز بازرسی‌های نامحدود گذشت. در این بین، هرگز به اصل غیرالزام‌آوری مفاد کنوانسیون و ورود استفاده‌های غیرصلح‌آمیز عوامل زیستی به عرصه‌های غیرنظامی همانند بیوتوریزم یا به‌روز کردن مفاهیم کنوانسیون یا افزودن مفاهیم جدید همچون "منع استفاده" توجه جدی نشده است.

نتیجه‌گیری

کنوانسیون منع توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های زیستی ۱۹۷۲، علی‌رغم برگزاری شش دوره بازنگری، هنوز با مفاهیم به‌روز علوم زیستی فاصله بسیار دارد؛ در راستای حل این معضل، تشکیل کمیته‌ای متشکل از دانشمندان زیستی از دولت‌های توسعه‌یافته و درحال توسعه و حقوق‌دان‌های حقوق بین‌الملل، با تکیه بر اصول معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌الملل، انصاف و حسن نیت نسبت به تغییر مفاهیم و افزودن مفاهیم جدید، با تاکید بر علوم به‌عنوان میراث مشترک بشریت و استناد به منطوق و روح همکاری‌های بین‌الملل مندرج در منشور سازمان ملل متحد و احترام به حاکمیت کشورها (ماده ۲ منشور) ضروری به نظر می‌رسد. در تغییرات جدید باید نسبت به انتقال دانش روز از سوی دولت‌های صاحب جدیدترین تکنولوژی‌ها به‌شکل کنترل‌شده و در راستای اهداف صلح‌جویانه و ارتقای وضعیت اقتصادی و سلامت انبای بشر توجه شود. به‌علاوه، مفاد کنوانسیون از حالت تعهد به ملاحظه به سمت و سوی تعهد به قانون‌گذاری تغییر جهت داده و کنوانسیون التزامی شود.

تشکر و قدردانی: این مقاله به پاس احترام، به تمامی محققانی که قریب به دو دهه برای درمان آسیب‌دیدگان سلاح‌های کشتار جمعی در عرصه ملی و بین‌المللی به پژوهش دست زده‌اند، تقدیم می‌شود.

منابع

1- Cassese A. Civil war and international law. Iowa: RGDOIP; 1989.

در اجلاس سوم از ۹ تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۱، به‌دلیل این‌که کشورهای پیشرفته، میل شدید کشورهای درحال توسعه را برای کسب دانش زیستی مشاهده نمودند و پیشرفت‌های زیادی هم در این عرصه حاصل شده بود، سیاست نظارت شدید و تنظیم پروتکل الحاقی را پیشنهاد نمودند. بخشی از این پروتکل، ایجاد فرهنگ لغات علمی و لیست عوامل زیستی و توکسین‌های میکروبی و آستانه و دوز موثر آنها و تجهیزات آزمایشگاهی دومانظوره بود. ریاست این بخش با جمهوری اسلامی ایران بود. در کنار این بحث، موضوع تلفیق و جمع‌بندی روش‌ها و تدوین ضوابط بازرسی به انگلستان محول شد. این خود موضوعی جالب است که جمع‌بندی نهایی به کشورهای پیشرفته محول شد. علی‌رغم تلاش‌های مقدماتی در حالی که کنفرانس می‌رفت به طرحی جامع و مرضی‌الطرفینی پیش رود، با برخورد دولت ایالات متحده که از اعضای هیات امضای کنوانسیون است، مذاکرات متوقف شد و همچنان در حد بحث ادامه دارد [۱۷، ۱۹].

کنفرانس بازنگری چهارم نیز محدود به اقدامات ملی در ممنوعیت به‌کارگیری سلاح‌های زیستی، شامل قانون‌گذاری و جنبه‌های حمایتی در موارد استفاده صلح‌آمیز بود و در بندهای بعدی به اقدامات مشاوره‌ای اعتمادساز که جنبه ترغیبی بیشتری دارد تا التزامی اشاره شده است. در بند چهارم این اجلاس، شکایت اعضا از عضو متخلف به شورای امنیت پیش‌بینی شده است؛ درحالی‌که شورای امنیت رکن قضایی نیست، بلکه ماهیت صرفاً سیاسی دارد. حتی کمک به کشور دیگر هم در بند پنجم منوط به تایید شورای امنیت شده است و در بند ششم، به جای التزام به همکاری‌های علمی و رفع مشکلات نوپدید و بازپدید، این امور مجدداً به شکل ترغیبی مطرح شده‌اند [۲۰، ۲۱].

در پنجمین نشست بازنگری که در دو مقطع از ۱۹ نوامبر تا ۷ دسامبر ۲۰۰۱ و ۱۱ تا ۲۲ نوامبر ۲۰۰۲ در ژنو برگزار شد، تنها نقطه قوت، تنظیم اجلاس‌های سالیانه کارشناسان دولت‌های عضو تا نشست ششم در سال ۲۰۰۶ بود. مواردی که در این کنفرانس‌های سالیانه مطرح شد، پیرامون اقدامات قانون‌گذاری در سطح ملی، مکانیزم‌های ملی برای حفظ و امنیت و نظارت بر میکروارگانیزم‌های پاتوژنیک و سموم، ارتقای توانایی بین‌المللی برای واکنش به تحقیقات و کاهش استفاده از سلاح زیستی، تقویت و گسترش کوشش‌های نهادینه ملی و مکانیزم‌های موجود و نظارتی، بازرسی و تشخیصی، اعلان انتشار، اتخاذ و پذیرش مجموعه‌ای از قوانین رفتاری برای دانشمندان بود. روش رای‌گیری در این نشست‌ها، اجماع در نظر گرفته شد. در این نشست‌ها نهادهای سازمان ملل متحد مانند تحقیق خلع سلاح (UNIDIR)، کمیسیون نظارت، اثبات و بازرسی سازمان ملل متحد (UNMOVIC)، کمیته صلیب سرخ (ICRC) و سازمان جهانی بهداشت (WHO) حضور داشتند. در اجلاس پنجم نیز ایالات متحده با طرح موضوع پایان اعتبار دستور کار گروه ویژه، اجلاس را از رسانیدن به نتیجه علی‌رغم تضارب افکار موجود، ناکام گذاشت. در نتیجه رییس اجلاس، با دعوت اعضا به طرح مسایل مشترک و پرهیز از مسایل

- 12- Rousseau CH. Public International Law. Paris: Sirey; 1970.
- 13- Tavallaei M. Process of the convention prohibits the development, production and storage of biological weapons. *J Def Policy*. 1998;25:105-8. [Persian]
- 14- Waltz K. The weapons of mass distraction. *New York: International Studies*; 2008.
- 15- Balouchi HA. Future nuclear threats. *J Natl Secur*. 1998;2(1):129-31. [Persian]
- 16- Momtaz J. International law weapons of mass destruction. Ranjbaran AH, translator. Tehran: Dadgostar Publication; 1998. [Persian]
- 17- Mohammadi AK. Laws and regulations on national and international fight bioterrorism. Tehran: Shahid Beheshti University Publication; 2005. [Persian]
- 18- United Nation. Sixth review conference of the states parties to the convention. Geneva: United Nations Department for Disarmament Affairs; 2006.
- 19- Biological and Toxin Weapons Convention (BTWC). Geneva; The Third Review Conference of the States Parties to the Convention on the Prohibition of the Development, 1991.
- 20- United Nation. Fourth review conference of the states parties to the convention. Geneva: United Nations Department for Disarmament Affairs; 1996.
- 21- Graham Person NA. Strengthening the biological weapons convention. UK: University of Bradford; 2006.
- 22- Gharib-Abadi K. Iran's nuclear program (basic facts). Tehran: State Department Publication; 2008. [Persian]
- 2- Shah-Hosayni MH. Defense against biological warfare and bioterrorism. Tehran: Basij Research Organization; 2002. [Persian]
- 3- Morgnata HJ. Politics among nations. Moshirzadeh H, translator. Tehran: Political and International Studies; 1995. [Persian]
- 4- Mirnezhad R. History of biological agents. Tehran; Conference Proceedings Role of Basic Science in Modern Warfare Defense, 2002. [Persian]
- 5- Shah-Hosayni MH. Microbial and disarmament conventions of modern war and mentioned two prospects for the future. Tehran, Conference Proceedings Role of Basic Science in Modern Warfare Defense, 2001. [Persian]
- 6- Poormohammad F. Convention on biological disarmament and the need for its revision [dissertation]. Tehran: Azad University; 2007. [Persian]
- 7- Office for Disarmament Affairs. The United Nation disarmament yearbook. New York: United Nations Publication; 1978.
- 8- Ziyaei-Bigdeli MR. Rights international treaties. Tehran: Ganj-e-Danesh Publication; 2004. [Persian]
- 9- Makkizadeh MA. Review of the convention on prohibition of chemical weapons. Netherlands: Inventory of International Nonproliferation Organizations; 2009.
- 10- Tavakkoli HR. Modern war weapons and methods of prevention and treatment of injured; 2008. [Persian]
- 11- Karo D. International law in practice. Taghizadeh M, translator. Tehran: Ghous Publication; 1996. [Persian]